

فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات تجربی حسابداری مالی - سال ۱۳ - شماره ۵۲ - زمستان ۱۳۹۵  
صفحات ۵۳ تا ۷۴

## تأثیر معیارهای راهبری شرکتی بر به موقع بودن افشای گزارشگری مالی

ولی خدادادی \*

جواد نیک‌کار \*\*

سجاد ویسی \*\*\*

### چکیده

هدف این پژوهش، بررسی تأثیر معیارهای راهبری شرکتی بر به موقع بودن افشای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. معیارهای مورد بررسی شامل چهار معیار داخلی مالکیت مدیریت، استقلال هیئت مدیره، اندازه هیئت مدیره و دوگانگی وظیفه رئیس هیئت مدیره و مدیر عامل و دو معیار خارجی مالکیت نهادی و تمرکز مالکیت است. بدین منظور شش فرضیه برای بررسی این موضوع تدوین و داده‌های مربوط به ۱۰۵ شرکت عضو بورس اوراق بهادار تهران برای دوره‌ی زمانی بین سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. الگوی رگرسیون پژوهش با استفاده از روش داده‌های تلفیقی، بررسی و آزمون شد. نتایج بدست آمده نشان داد از میان معیارهای انتخابی برای راهبری شرکتی تنها متغیرهای تمرکز مالکیت و دوگانگی وظیفه مدیر عامل و رئیس هیات مدیره تأثیر مثبت معنادار و مالکیت مدیریت تأثیر منفی معناداری بر به موقع بودن افشای گزارشگری مالی دارد. همچنین، نتایج نشان داد که متغیرهای مالکیت نهادی، اندازه هیئت مدیره و استقلال هیئت مدیره تأثیر معناداری بر به موقع بودن افشای گزارشگری مالی ندارند.

واژگان کلیدی: به موقع بودن افشای معیارهای راهبری شرکتی و افشای اطلاعات.

\* دانشیار گروه حسابداری دانشگاه شهید چمران اهواز (نویسنده مسئول) vkhodadadi@scu.ac.ir

\*\* دانشجوی دکتری حسابداری دانشگاه شهید چمران اهواز

\*\*\* دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری دانشگاه شهید چمران اهواز

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۹/۲۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۲/۱

## مقدمه

افراد برای تصمیم‌گیری درباره خرید یا فروش سهام نیازمند اطلاعات به موقع جهت تصمیم‌گیری هستند. در چنین وضعیتی، تاخیر در انتشار اطلاعات مالی می‌تواند منجر به مشکلات قیمت‌گذاری اوراق بهادار و بی‌عدالتی در میان سرمایه‌گذارانی شود که امکان دسترسی برابر به اطلاعات با اهمیت را ندارند. هرچه تاخیر در انتشار صورت‌های مالی طولانی‌تر شود، اطلاعات بیشتری به نفع سهامداران عمده افشا می‌شود و شایعه‌های زیادی در بازار سرمایه مطرح می‌شود. بنابراین، انتشار به موقع اطلاعات مالی برای افراد برون سازمانی و به خصوص سرمایه‌گذاران جز، از اهمیت خاصی برخوردار است. در نتیجه، لازم است تدابیری اتخاذ شود که تاخیر طولانی در انتشار اطلاعات مالی رفع یا کاهش یابد (باغومیان و نقدی، ۱۳۹۳). از سوی دیگر، با تفکیک مالکیت از مدیریت، موضوع گزارش‌گری مالی و ارائه اطلاعات جهت تصمیم‌گیری و ارزیابی عملکرد مدیران، مورد توجه بیشتری قرار گرفت. از آنجا که مدیران در مورد چگونگی استفاده از منابع تامین شده توسط سهامداران تصمیم‌گیری می‌کنند، سهامداران همواره علاقه‌مندند، بدانند آیا مدیران از منابع موجود به نحو مطلوبی استفاده می‌کنند یا نه؟ چون مدیران ممکن است به جای افزایش ثروت سهامداران، براساس منافع شخصی خود عمل کنند، ضروری است که سهامداران از طریق ایجاد سازوکاری مشکلات ناشی از تضاد منافع را خنثی کنند (سنجری، ۱۳۸۷).

یکی از این سازوکارها، بهبود راهبری شرکتی است. راهبری شرکتی مجموعه‌ای از رویه‌هایی است که برای کسب اطمینان نسبت به استفاده کارا از دارایی‌های شرکت و عدم به کارگیری آنها در جهت اهداف مغایر با اهداف ذی‌نفعان پیاده‌سازی می‌شوند. راهبری شرکتی مستحکم در شرکت‌ها رفتار فرصت‌طلبانه و سودجویانه مدیران را محدودتر کرده و در نتیجه، کیفیت و توان اتکای گزارش‌گری مالی را بهبود می‌بخشد (مهرانی و صفرزاده، ۱۳۹۰). همچنین، ساختار راهبری شرکتی قوی منجر به نظارت بهتر مدیریت، تولید اطلاعات حسابداری به موقع، افزایش سرعت شناسایی اخبار بد برای مطلع ساختن هیئت مدیره و انجام اقدامات لازم خواهد شد (گارسیا و همکاران، ۲۰۰۵). بنابراین، نظام راهبری شرکتی به عنوان یکی از مهمترین سازوکارهای کنترلی و نظارتی می‌تواند تاثیر مهمی در جهت برپایی عدالت و افشای به موقع اطلاعات داشته باشد. به عبارتی، نظام راهبری شرکتی می‌تواند نقش مهمی در بازار سرمایه به منظور تخفیف مشکل نمایندگی و

کاهش عدم تقارن اطلاعاتی بین سهامداران و مدیران داشته باشد (جرالد و همکاران، ۲۰۰۶).

تمرکز پژوهش‌های پیشین بیشتر به تاثیر راهبری شرکتی بر کیفیت اطلاعات مالی و گزارشگری بوده و نتایج آنها حاکی از تاثیرگذاری برخی از عناصر راهبری بر روی کیفیت اطلاعات مالی است. اما، سوال اصلی این پژوهش آن است که ساز و کارهای راهبری شرکتی تا چه اندازه بر به موقع بودن افشای گزارشگری مالی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تاثیر گذار هستند؟

### مبانی نظری پژوهش

راهبری شرکتی سازوکاری است که از طریق اعمال آن، مشکلات نمایندگی برطرف می‌شود، کیفیت اطلاعات ارائه شده شرکت‌ها بهبود می‌یابد و رعایت حقوق سهامداران و کلیه ذی نفعان از جمله دولت‌ها و عموم مردم جامعه کانون توجه قرار می‌گیرد (باباجانی و عبدی، ۱۳۸۹). همچنین، سازوکارهای راهبری شرکتی بر اطلاعاتی که شرکت‌ها برای سهامداران و سایر ذی نفعان افشا می‌کنند، اثر می‌گذارد و احتمال افشا نشدن کامل و مطلوب اطلاعات را کاهش می‌دهد (هتای، ۲۰۱۲). با این شرایط یکی از مهمترین اهداف راهبری شرکتی، کاهش عدم تقارن اطلاعاتی از طریق افشای به موقع اطلاعات مالی شرکت‌ها است. افشای صحیح و مناسب اطلاعات مالی، مسئله نمایندگی را با پرکردن شکاف عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و سهامداران تعدیل می‌کند (لیم و همکاران، ۲۰۱۴). از مهمترین سازوکارهای راهبری شرکتی، سهامداران و نحوه مالکیت آنها است. با توجه به اینکه سهامداران نقش اساسی در معیارهای راهبری شرکتی دارند، لذا ترکیب مختلف آنها در شرکت‌ها می‌تواند اثرهای متفاوتی را بر عملکرد شرکت‌ها و همچنین نحوه انعکاس اطلاعات شرکت در بازار داشته باشد (میترا، ۲۰۰۲). علاوه بر ترکیب سهامداران، هیئت مدیره و ترکیب آن نیز از سازوکارهای مهم راهبری شرکتی است. نظارت موثر هیئت مدیره از جمله محرک‌هایی به شمار می‌آید که به دلیل اعطای استقلال بیشتر در تصمیم‌گیری، موجب افزایش ویژگی‌های کیفی اطلاعات مالی می‌شود. مربوط بودن به عنوان یکی از ویژگی‌های کیفی اطلاعات مالی، بدین معنی است که اطلاعات گزارش شده می‌بایست قادر باشد به انتظارات گذشته استفاده‌کننده از وضعیت مالی و عملکرد آتی شرکت کمک کند. مربوط بودن اطلاعات گزارش شده به وسیله ویژگی به

موقع بودن، تحت تاثیر قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر، هرچه از ویژگی به موقع بودن کاسته شود از مفید بودن اطلاعات نیز کاسته می‌شود. بنابراین، نظارت موثر هیئت مدیره و مدیراجرایی منجر به افزایش کیفیت اطلاعات مالی و انتشار به موقع صورت‌های مالی خواهد شد (برادران حسن‌زاده و همکاران، ۱۳۹۳). در این شرایط، ترکیب هیئت مدیره به عنوان ابزاری کنترلی در شرکت، تعیین‌کننده‌ی قدرت هیئت مدیره است. لذا، ترکیب هیئت مدیره، عامل مهمی در تبیین توانایی اعضای هیئت مدیره برای انجام وظایف و کمک به عملکرد شرکت است (زهره و پیرس، ۱۹۸۹). در ادامه به تشریح مالکیت نهادی، مالکیت سهامداران عمده، مالکیت مدیریتی، استقلال هیئت مدیره، اندازه هیئت مدیره و دوگانگی وظیفه مدیرعامل و رئیس هیات مدیره پرداخته و تاثیر این عوامل بر به موقع بودن افشای گزارشگری مالی بررسی شده است.

### مالکیت نهادی

سهامداران نهادی، شرکت‌های بیمه، بانک‌ها، صندوق‌های بازنشستگی، صندوق‌های مشترک سرمایه‌گذاری و شرکت‌های سرمایه‌گذاری را شامل می‌شود. سهامداران نهادی که ثروت و منابع مالی زیادی در اختیار دارند، نسبت به سایر سهامداران در به دست آوردن و استفاده از اطلاعات گرانها، با ارزش، به موقع و مربوطتر گرایش بیشتری دارند. بنابراین، می‌توانند مانع سیاست‌ها و فعالیت‌های مدیران در استفاده از مدیریت سود فرصت طلبانه شوند (بوشی، ۱۹۹۸). در ادبیات راهبری شرکتی، سرمایه‌گذاران نهادی یکی از سازوکارهای خارجی مؤثر در نظارت بر شرکت شناخته می‌شوند. این گروه از فعالان بازار سرمایه، با توجه به برخورداری از دانش و تخصص کافی، دسترسی به شبکه‌های ارتباطی مؤثر و انگیزه لازم برای نظارت بر عملکرد مدیریت، می‌توانند نقش اساسی در ارتقای سیستم راهبری شرکتی و در نتیجه افزایش کارایی و بهره‌وری شرکت ایفا کنند. کوچک‌ها و دیوید (۱۹۹۶) اعتقاد دارند سهامداران نهادی با مشارکت نظارتی خود نقش اساسی در افشای اطلاعات خواهند داشت. روف (۲۰۱۱) معتقد است که سهامداران نهادی، انگیزه‌ی بیشتری در نظارت بر رویه‌های افشای شرکت دارند. بنابراین، مدیران باید با افشای به موقع اطلاعات، انتظارات سهامداران نهادی را برآورده کنند. در نتیجه، می‌توان انتظار داشت افزایش مالکیت سهامداران نهادی، موجب گزارشگری مالی به موقع‌تر در شرکت‌ها شود.

### مالکیت سهامداران عمده

نوع دیگری از ترکیب سهامداران، مالکیت سهامداران عمده (تمرکز مالکیت) است. افزایش تمرکز مالکیت، انگیزه کافی برای نظارت بر مدیران فراهم می‌کند. براساس این دیدگاه، دارندگان سهام بیشتر با انگیزه بیشتری هزینه‌های جمع‌آوری اطلاعات و دخالت در نظارت مدیریت را تحمل می‌کنند. در مقابل مالکیت‌های پراکنده، برای نظارت بر مدیریت انگیزه کمتری دارند (رامسی و بلایر، ۱۹۹۳). همچنین، در وضعیت‌هایی که سهامداران منافع کمتری از شرکت به دست می‌آورند، انگیزه‌ای برای نظارت بر مدیران ندارند یا انگیزه کمی دارند؛ زیرا هزینه‌های نظارت بر منافع ناشی از آن فزونی می‌یابد. لیم و همکاران، (۲۰۱۴) معتقدند در کشورهایی که تمرکز مالکیت و مداخله دولت به عنوان ویژگی برجسته بازار سرمایه آنها محسوب می‌شود سهامداران عمده نسبت به سهامداران جز تاثیر بیشتری بر روی به موقع بودن افشا دارند. در نتیجه، می‌توان انتظار داشت افزایش مالکیت سهامداران عمده، موجب گزارشگری مالی به موقع‌تر در شرکت‌ها شود.

### مالکیت مدیریتی

نوع دیگری از ترکیب سهامداران، مالکیت مدیریتی است. مطالعات نشان می‌دهد در اختیار داشتن درصد زیادی از حق رای توسط مدیران و ایجاد انسجام در موقعیت مدیریت، باعث تضعیف فرایند نظارت توسط سهامداران بیرونی می‌شود که امکان و احتمال تعدیل ارقام حسابداری توسط مدیران را فراهم می‌کند. بنابراین، با افزایش مالکیت مدیریت و به دنبال آن کاهش نظارت، به موقع بودن ارائه اطلاعات برای تصمیم‌گیری استفاده‌کنندگان کاهش می‌یابد (هان، ۲۰۰۶). همچنین، نگار و همکاران (۲۰۰۳) اعتقاد دارند زمانی که مدیران، عمده سهام شرکت را در اختیار دارند تقاضا برای افشای اطلاعات و در نتیجه مشوق‌های افشا تحت تاثیر قرار می‌گیرد و تقریباً مشوقی برای افشا وجود نخواهد داشت. در نتیجه، می‌توان انتظار داشت افزایش مالکیت مدیریتی، موجب کاهش به موقع بودن گزارشگری مالی در شرکت‌ها شود.

### استقلال هیات مدیره

براساس نظریه نمایندگی، حضور مدیران غیرموظف در هیات مدیره شرکت‌ها و عملکرد نظارتی آنها به منزله افرادی مستقل، به کاهش تضاد منافع موجود مدیران و ذینفعان کمک زیادی می‌کند. همبریک و جکسون (۲۰۰۰)، معتقدند هرچه تعداد اعضای مستقل هیات

مدیره در ترکیب هیات مدیره بیشتر باشد، عملکرد شرکت بهتر خواهد بود. به طور معمول هیات مدیره‌ای که تعداد مدیران غیرموظف آن بیشتر است، تصویر مثبتی از استقلال و مسئولیت پاسخگویی را برای سهامداران تداعی می‌کند و حصول اطمینان از رعایت ویژگی‌های راهبری شرکتی را نیز افزایش می‌دهد. خیرالهی و همکاران (۱۳۹۳) بیان نمودند که استقلال هیات مدیره می‌تواند کاهش قابل ملاحظه‌ای در رفتار فرصت طلبانه مدیران ایجاد کند. چن و همکاران (۲۰۰۶) نیز معتقدند که احتمال گزارشگری متقابلانه با حضور اعضای غیرموظف در هیات مدیره کاهش خواهد یافت. بنابراین، اعضای غیرموظف به گونه‌ی بهتری از سهامداران حمایت می‌کنند و نماینده بهتری برای آنان هستند. بر این اساس، اعضای غیرموظف مستقل، مسئله نمایندگی را کنترل می‌کنند و عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیر و سهامداران را با ارائه افشای به موقع تر و با کیفیت تر، کاهش می‌دهند (لیم و همکاران، ۲۰۰۷). در نتیجه، انتظار می‌رود در شرکت‌هایی که تعداد اعضای غیرموظف هیات مدیره بیشتر است، گزارشگری مالی به موقع تری داشته باشند.

#### اندازه هیات مدیره

از دیگر ویژگی‌های هیات مدیره اندازه‌ی آن است که نشان دهنده تعداد مدیران اعم از موظف و غیرموظف است. تنگ و لی (۲۰۱۱) معتقدند هر چه اندازه‌ی هیات مدیره کوچکتر باشد عملکرد شرکت بهبود می‌یابد. زیرا در هیات مدیره‌های بزرگ ممکن است افرادی بدون تخصص وجود داشته باشند که کارایی هیات مدیره را تحت تاثیر قرار دهند و بی‌منفعت عمل کنند. همچنین، طرح‌ریزی، هماهنگی تیمی، تصمیم‌گیری و برگزاری جلسات منظم برای یک هیات مدیره بزرگ دشوار است. ماتوسی و چاکرون (۲۰۰۸) نیز نشان دادند افزایش تعداد اعضای هیات مدیره سبب عدم تصمیم‌گیری به موقع و در نتیجه کاهش افشای به موقع اطلاعات مالی می‌شود. در نتیجه، انتظار می‌رود در شرکت‌هایی که تعداد اعضای هیات مدیره کمتری دارند گزارشگری مالی به موقع تری داشته باشند.

#### دوگانگی وظیفه مدیرعامل رئیس هیات مدیره

دوگانگی وظیفه مدیرعامل به حالتی گفته می‌شود که مدیرعامل، رئیس هیات مدیره نیز باشد. این وضعیت سبب می‌شود مدیرعامل دارای اختیار بیشتری برای کنترل اطلاعات در دسترس این اعضا شود، در نتیجه ممکن است از نظارت مؤثر مدیرعامل جلوگیری کند.

قدرت تصمیم‌گیری متمرکز در نتیجه دوگانگی وظیفه مدیرعامل، ممکن است موجب کاهش استقلال هیات مدیره و کاهش گرایش طبیعی آن برای افشای به موقع اطلاعات شود (مینیک و نوگا، ۲۰۱۰). همچنین، تفکیک نشدن وظایف مدیرعامل و رئیس هیات مدیره می‌تواند به کاهش اثربخشی نقش نظارتی هیات مدیره بیانجامد و زمینه تضييع حقوق ذینفعان را در پی داشته باشد. بر اساس مطالعات انجام گرفته، تفکیک وظایف مدیرعامل از رئیس هیات مدیره، به هیات مدیره استقلال بیشتری می‌دهد و در نتیجه به کاهش مشکلات نمایندگی و افزایش کیفیت گزارشگری مالی منجر می‌شود (اسماعیل زاده و همکاران، ۱۳۸۹). هوفانگ و ژیانگو (۲۰۰۷) استدلال کردند شخصی که هر دوی این وظایف را بر عهده داشته باشد، تمایل کمتری به افشای اطلاعات مطلوب و به موقع برای استفاده کنندگان خواهد داشت. در نتیجه انتظار می‌رود در شرکت‌هایی که سمت مدیرعامل و رئیس هیات مدیره از هم تفکیک شده است، گزارشگری مالی به موقع‌تری داشته باشند.

#### پیشینه پژوهش

لیم و همکاران (۲۰۱۴) در پژوهشی به بررسی تاثیر نظام راهبری شرکتی بر به موقع بودن سود پرداختند. آنان با بررسی ۱۲۷۶ شرکت پذیرفته شده در بورس مالزی معتقدند، که شرکت‌هایی با مالکیت دولتی به عنوان سهامدار عمده افشای به موقع‌تری دارند در مقابل، شرکت‌هایی با مالکیت خانوادگی و خارجی به عنوان سهامدار عمده تاخیر گزارشگری دارند. آنان همچنین نشان دادند که بین تمرکز مالکیت و تاخیر گزارشگری رابطه معناداری وجود ندارد.

آل صوفی و همکاران (۲۰۱۳) با استفاده از پرسشنامه به بررسی تاثیر راهبری شرکتی بر روی کیفیت اطلاعات مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بازار مالی کشور عمان پرداختند. نتایج نشان داد تهیه کنندگان و استفاده کنندگان صورت‌های مالی از مفهوم راهبری شرکتی آگاهند و به کارگیری کارای راهبری شرکتی بر کیفیت اطلاعات مالی موثر است و اطلاعات مالی را دقیق‌تر و با کیفیت‌تر می‌سازد.

فتی (۲۰۱۳) با بررسی ۲۵۰ شرکت فرانسوی طی سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۸ نشان داد، کیفیت اطلاعات مالی رابطه مثبت با کیفیت هیئت مدیره و کیفیت ساختار مالکیت شرکت دارد. او در پژوهش خود برای اندازه‌گیری نظام راهبری شرکتی از شاخص جهانی شامل

۶۴ قلم و سه شاخص فرعی مربوط به سیستم کنترل، هیئت مدیره و ساختار مالکیت و برای اندازه گیری کیفیت اطلاعات مالی از ارقام تعهدی اختیاری استفاده کرد.

هتای (۲۰۱۲) نشان داد سهامداران عمده، سهامداران نهادی و مالکیت مدیران رابطه معکوسی با سطح افشای اختیاری دارند. در این بین، فقط رابطه میان سهامداران عمده و مالکیت مدیران با افشای اختیاری، معنادار است. همچنین، اندازه هیئت مدیره و تعداد اعضای غیر موظف بیشتر در ترکیب هیئت مدیره، رابطه مستقیم معناداری با سطح افشا دارد.

روف (۲۰۱۱) با استفاده از رویکرد غیر وزنی و بررسی ۱۲۰ شرکت پذیرفته شده در بورس بنگلادش، نشان داد که سرمایه گذاران نهادی، انگیزه‌های بیشتری برای افشای رویه‌های شرکت دارند. و رابطه مستقیمی بین سهامداران نهادی و افشا وجود دارد. همچنین، نسبت اعضای غیر موظف هیئت مدیره بر سطح افشای اختیاری تاثیر منفی دارد.

هوانگ و ژیانگو (۲۰۰۷) معتقدند مالکیت عمده تاثیر معناداری بر میزان افشا دارد. در حقیقت، زمانی که میزان مالکیت سهامداران عمده (سهامدارانی با درصد سهام بیش از ۵ درصد) افزایش یابد سطح افشای اختیاری نیز افزایش می‌یابد. همچنین، دوگانگی مسئولیت مدیر عامل نیز بر سطح افشای اختیاری تاثیر منفی دارد و بین مالکیت مدیران با سطح افشا، رابطه معناداری یافت نشد.

باقرپورولاشانی و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهشی به بررسی رابطه‌ی بین سازوکارهای حاکمیت شرکتی بر تجدید ارائه‌های حسابداری پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد که تغییر مدیرعامل، تغییر حسابرس، تخصص صنعت حسابرس، اندازه حسابرس و بزرگترین سهامدار به همراه برخی خصوصیات مالی شرکت‌ها شامل نسبت جریان وجوه نقد عملیاتی، نسبت نقدینگی و اندازه شرکت از عوامل موثر بر احتمال وقوع تجدید ارائه‌های سود در بازار سرمایه ایران می‌باشند. به عبارتی یافته‌های این پژوهش از این عقیده که مکانیزمهای حاکمیت شرکتی راه‌علاجی برای بهبود کیفیت گزارشگری مالی می‌باشد، حمایت می‌کند.

باغومیان و نقدی (۱۳۹۳) در پژوهشی به بررسی رابطه‌ی بین سازوکارهای حاکمیت شرکتی بر میزان افشای اختیاری پرداختند. نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد که از میان ساز و کارهای نظام حاکمیت شرکتی در حوزه افشای اختیاری، تنها مالکیت نهادی رابطه مثبت و معناداری با سطح افشای اختیاری دارد. دیگر متغیرهای حاکمیت شرکتی (اندازه



هیئت مدیره، اعضای غیرموظف، دوگانگی مسئولیت مدیر عامل، مالکیت مدیران و مالکیت عمده) رابطه‌ی معناداری با میزان افشای اختیاری ندارد.

دیانتی دیلمی و ملک محمدی (۱۳۹۲) در پژوهشی به بررسی تاثیر ویژگی‌های نظام راهبری شرکتی و کیفیت اطلاعات مالی پرداختند. یافته‌های این پژوهش نشان داد که از بین هفت متغیر نظام راهبری شرکتی، چهار متغیر تمرکز مالکیت، نفوذ مدیر عامل، استقلال هیئت مدیره و مدت تصدی مدیر عامل بر کیفیت اطلاعات مالی تاثیر مثبت و معنادار دارند. از سوی دیگر، بین سرمایه گذاران نهادی، اندازه هیئت مدیره و دوگانگی وظیفه مدیر عامل با کیفیت اطلاعات مالی رابطه‌ای مشاهده نشده است.

مهرانی و صفرزاده (۱۳۹۰) با استفاده از تحلیل داده‌های تلفیقی به بررسی رابطه‌ی بین حاکمیت شرکتی و کیفیت سود در ۱۱۷ شرکت ایرانی برای دوره‌ی زمانی ۱۳۸۶ تا ۱۳۸۹ پرداختند نتایج نشان می‌دهد که حاکمیت شرکتی با معیارهای کیفیت اقلام تعهدی، پایداری سود، هموارسازی سود و محافظه کاری سود، ارتباط منفی معنادار و با معیارهای توان پیش بینی سود و به موقع بودن سود ارتباط مثبت معنادار دارد اما با معیار ارتباط ارزشی سود ارتباط معناداری ندارد. به عبارت دیگر، رابطه بین کیفیت سود و حاکمیت شرکتی تک بعدی نیست و لذا نمی‌توان به طور کامل یکی از دو فرضیه‌ی رقیب نظارت یا اطمینان را پذیرفت. علاوه بر این، با تفکیک شاخص حاکمیت شرکتی به اجزای تشکیل دهنده، از توان توضیح دهندگی الگوها کاسته می‌شود.

### فرضیه‌های پژوهش

با توجه به مبانی نظری مطرح شده فرضیه‌های پژوهش به صورت زیر بیان می‌شود:

فرضیه‌ی اول: مالکیت نهادی تاثیر مثبتی بر به موقع بودن افشای گزارشگری مالی دارد.

فرضیه‌ی دوم: تمرکز مالکیت تاثیر مثبتی بر به موقع بودن افشای گزارشگری مالی دارد.

فرضیه‌ی سوم: مالکیت مدیریت تاثیر منفی بر به موقع بودن افشای گزارشگری مالی دارد.

فرضیه‌ی چهارم: استقلال هیئت مدیره تاثیر مثبتی بر به موقع بودن افشای گزارشگری مالی

دارد.

فرضیه پنجم: اندازه‌ی هیات مدیره تاثیر منفی بر به موقع بودن افشای گزارشگری مالی

دارد.

فرضیه ششم: دوگانگی وظیفه رئیس هیات مدیره و مدیر عامل تاثیر مثبتی بر به موقع بودن افشای گزارشگری مالی دارد.

### جامعه و نمونه‌ی آماری

جامعه‌ی آماری پژوهش، کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در فاصله‌ی زمانی سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ است. در این پژوهش، برای تعیین نمونه‌ی آماری از روش نمونه‌گیری به صورت هدفمند استفاده شد، بدین صورت که در هر مرحله از بین کلیه شرکت‌های موجود در پایان سال ۱۳۸۳، شرکت‌هایی که دارای شرایط زیر نباشند، حذف شده و شرکت‌های باقی مانده برای انجام آزمون انتخاب شدند:

- شرکت‌ها باید در طول دوره مورد بررسی تداوم فعالیت داشته باشند.
- نمونه‌ی آماری شامل شرکت‌های تولیدی و صنعتی باشد.
- شرکت‌هایی که سال مالی آنها به انتهای اسفند ماه ختم می‌شود.

در نهایت، پس از طی مراحل مزبور، تعداد ۱۰۵ شرکت برای نمونه جهت انجام آزمون فرضیه‌های پژوهش انتخاب شدند.

### تجزیه و تحلیل اطلاعات

در بخش آمار توصیفی، تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از شاخص‌های مرکزی همچون میانگین و میانه و شاخص‌های پراکندگی انحراف معیار انجام شده است. همچنین، برای آزمون فرضیه‌ها از الگوی رگرسیون داده‌های ترکیبی استفاده شده است. برای انتخاب از بین روش‌های الگوهای رگرسیونی ترکیبی<sup>۱</sup> و الگوی داده‌های تابلویی با اثرات ثابت<sup>۲</sup> از آزمون F لیمر استفاده می‌شود. اگر در آزمون F لیمر روش داده‌های ترکیبی انتخاب شود، کار تمام است اما، اگر روش داده‌های تابلویی با اثرات ثابت انتخاب شود لازم است تا آزمون هاسمن نیز انجام شود. از آزمون هاسمن برای تعیین استفاده از الگوی اثرات ثابت در مقابل الگوی اثرات تصادفی استفاده می‌شود.

1. Pooled Data  
2. Fix Effect Panel Data

## الگوی پژوهش

با توجه به چارچوب نظری و پیشینه‌ی پژوهش، الگوی پژوهش از نوع رگرسیون چند متغیره است. بنابراین، مدل شماره‌ی (۱) برای انجام آزمون فرضیه‌های انتخاب شده است (لیم و همکاران، ۲۰۱۴).

## الگوی شماره (۱)

$$Timeliness(ReportingLag) = \alpha + \beta_1 InsOwn_{i,t} + \beta_2 CentOwn_{i,t} + \beta_3 ManOwn_{i,t} + \beta_4 BrdSize_{i,t} + \beta_5 BrdIndep_{i,t} + \beta_6 BrdDobl_{i,t} + \beta_7 BadNews_{i,t} + \beta_8 Size_{i,t} + \beta_9 Leverage_{i,t} + \beta_{10} Book-to-Market_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

متغیرهای الگو در نگاره‌ی شماره (۱) تعریف شدند.

## نگاره (۱) تعریف متغیرهای الگو

متغیر مورد بررسی	نماد
تاخیر در گزارشگری مالی	<i>TimeLiness</i>
مالکیت سهامداران نهادی	<i>InsOwn</i>
تمرکز مالکیت	<i>CentOwn</i>
مالکیت مدیریت	<i>ManOwn</i>
اندازه‌ی هیئت مدیره	<i>BrdSize</i>
استقلال هیئت مدیره	<i>BrdIndep</i>
دوگانگی وظیفه مدیر عامل و رئیس هیئت مدیره	<i>BrdDobl</i>
خبیر بد	<i>BadNews</i>
اندازه شرکت	<i>Size</i>
اهرم مالی	<i>Leverage</i>
نسبت ارزش دفتری به بازار	<i>Book-to-Market</i>

## متغیرهای پژوهش

## الف) متغیر وابسته

در این پژوهش متغیر وابسته به موقع بودن افشا است که از طریق تاخیر گزارشگری مالی<sup>۱</sup> به وسیله بگلی و فیشر (۱۹۹۸) به صورت زیر تعریف شده است (لیم و همکاران، ۲۰۱۴).

الگوی (۲)

$$DEL_{i,t} = LAG_{i,t} - LAG_{i,t-1}$$

$LAG_{i,t}$ : معرف فاصله بین پایان سال مالی و تاریخ گزارشگری است. لازم به توضیح است این متغیر از یادداشت‌های پیوست صورت‌های مالی و گزارش هیات مدیره استخراج شده است.

## ب) متغیرهای مستقل پژوهش

مالکیت نهادی: درصد مالکیت سرمایه گذاران نهادی که شامل درصد مالکیت شرکت‌های بیمه، بانک‌ها، صندوق‌های بازنشستگی، صندوق‌های مشترک سرمایه‌گذاری و ... در شرکت است.

تمرکز مالکیت: درصد مالکیت سهام پنج سهامدار عمده شرکت است.

مالکیت مدیریت: درصد مالکیت سهام اعضای هیئت مدیره و مدیر عامل و خانواده‌های آنان در سهام شرکت است.

اندازه‌ی هیئت مدیره: این متغیر، تعداد افراد موجود در هیئت مدیره شرکت‌ها تعریف شده است.

استقلال هیئت مدیره: این متغیر نسبت اعضای غیرموظف هیئت مدیره به کل اعضای هیئت مدیره تعریف شده است.

دوگانگی وظیفه مدیر عامل و ریس هیئت مدیره: یک متغیر مجازی است به طوری که اگر رئیس هیئت مدیره و مدیر عامل یک نفر نباشد عدد یک و در غیر این صورت صفر.

البته لازم به توضیح است که تمامی متغیرهای فوق از یادداشت‌های پیوست صورت‌های مالی و گزارش هیات مدیره استخراج شده است.

## ج) متغیرهای کنترل

خبر بد: اگر سود هر سهم نسبت به سال قبل کاهش یابد عدد یک و در غیر آن صورت صفر را می‌پذیرد.

اندازه شرکت: برابر با لگاریتم طبیعی کل دارایی‌های شرکت است.

اهرم مالی: برابر نسبت کل بدهی‌ها به کل دارایی‌های شرکت است.

نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار شرکت: برابر با نسبت ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام به ارزش بازار حقوق صاحبان سهام شرکت است.

## نتایج پژوهش

## آمار توصیفی

نتایج آمار توصیفی متغیرهای پژوهش در نگاره‌ی شماره (۲) نشان داده شده است.

نگاره (۲) آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	میانه	بیشینه	کمینه	انحراف معیار
تاخیر گزارشگری مالی	-۰/۲۲۴	۰	۴۹	-۵۰	۱۲/۴۱۵
مالکیت نهادی	۰/۷۲۷	۰/۸۰۵	۰/۹۹	۰/۰۱	۰/۲۶۱
تمرکز مالکیت	۰/۷۶۴	۰/۸۰	۰/۹۹	۰/۰۶۴	۰/۱۶۳
مالکیت مدیریت	۰/۶۸۲	۰/۷۲۱	۰/۹۸۴	۰/۰۱۳	۰/۱۹۳
اندازه‌ی هیات مدیره	۵/۱۱	۵	۷	۵	۰/۳۰۵
استقلال هیات مدیره	۰/۶۷۶	۰/۶۰	۱	۰/۲۰	۰/۱۴۵
اندازه‌ی شرکت	۵/۸۹۴	۵/۸۲۷	۸/۶۸	۴/۲۷	۰/۶۳۱
اهرم مالی	۰/۶۵۴	۰/۶۵۰	۱/۲۱	۰/۱۰	۰/۲۱۶
نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار شرکت	۰/۹۱۸	۰/۶۴۳	۷/۷۷۲	-۱/۰۴	۱/۲۸

منبع: یافته‌های پژوهش

با توجه به داده‌های بدست آمده مربوط به متغیر وابسته تاخیر در گزارش‌گری مالی، حداکثر تاخیر در زمان گزارشگری مالی نسبت به سال قبل (کاهش به موقع بودن افشا) ۴۹ روز و حداکثر بهبود در گزارشگری مالی نسبت به سال قبل (افزایش به موقع بودن افشا) ۵۰

روز است. افزون بر این، درصد مالکیت نهادی، مدیریت و تمرکز دارای میانگین تقریبی ۷۰ درصد است که نشان دهنده سهم بالای هر یک از طبقات مالکیت در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار است. علاوه بر این، آماره‌های انحراف معیار، ضریب کشیدگی و چولگی نیز به منظور بررسی نرمال بودن توزیع داده‌ها بکار گرفته می‌شوند (کلر و واراکی، ۲۰۰۳). با بررسی معیارهای مذکور می‌توان اظهار داشت که داده‌های مربوط به متغیرهای مستقل و وابسته از توزیع نرمال برخوردار هستند زیرا، متغیرها دارای حداقل فاصله از ارزش ارایه شده برای کشیدگی می‌باشند. همچنین، لازم به توضیح است به منظور اجتناب از تاثیر داده‌های پرت بر نتایج پژوهش، کلیه داده‌های پرت متغیرها در سطح یک درصد حذف شده‌اند.

#### ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش

همان طور که در نگاره‌ی شماره (۳) مشاهده می‌شود، نتایج همبستگی بین متغیرهای پژوهش نشان داده شده است.

نگاره (۳) همبستگی متغیرهای پژوهش

متغیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
مالکیت نهادی										
تمرکز مالکیت	۰/۶۱۶									
مالکیت مدیریت	۰/۶۲	۰/۶۱۲								
اندازه‌ی هیات مدیره	-۰/۰۰	-۰/۰۲	-۰/۰۵							
استقلال هیات مدیره	۰/۰۴	۰/۰۳	-۰/۰۳	-۰/۰۴						
دوگانگی وظیفه	-۰/۱۲	-۰/۰۳	-۰/۰۰	-۰/۱۲	-۰/۰۹					
خبر بد	-۰/۰۷	-۰/۰۷	-۰/۰۴	۰/۰۶	-۰/۰۴	۰/۰۱				
اندازه‌ی شرکت	۰/۲۴	۰/۰۱	-۰/۱۰	-۰/۰۱	-۰/۰۴	-۰/۰۸	۰/۰۸			
اهرم مالی	۰/۰۴	۰/۱۲	۰/۰۸	-۰/۰۵	-۰/۱۵	۰/۱۳	۰/۰۳	۰/۱۰		
ارزش دفتری به بازار	-۰/۰۱	-۰/۰۸	-۰/۰۳	-۰/۰۲	-۰/۰۵	۰/۰۱	۰/۰۵	۰/۲۳	-۰/۱۱	۱

منبع: یافته‌های پژوهش

با توجه به نگاره‌ی شماره (۳)، همان گونه که مشاهده می‌شود ضریب همبستگی متغیرهای پژوهش منطقی است که نشان دهنده‌ی وجود عدم همبستگی، در بین متغیرهای پژوهش است.

## آمار استنباطی

قبل از برآزش الگوها لازم است تا آزمون F لیمر به منظور بررسی استفاده از روش داده‌های تابلویی در مقابل روش داده‌های تلفیقی برای الگوهای مزبور انجام شود. نتایج حاصل از آزمون F لیمر برای الگوهای مزبور در نگاره‌ی شماره (۴) نشان داده شده است.

نگاره (۴) نتایج آزمون F لیمر برای الگوهای پژوهش

آماره	سطح خطا	روش پذیرفته شده
۰/۹۸	۰/۷۰۶	الگوی داده‌های تلفیقی

منبع: یافته‌های تحقیق

همان طور که در نگاره (۴) نیز قابل مشاهده است، نتایج حاکی از عدم رد فرض  $H_0$  بوده، در نتیجه الگوی داده‌های تلفیقی روش ارجح است. حال در ادامه نتایج تخمین الگوی پژوهش در نگاره‌ی شماره (۵) با روش داده‌های تلفیقی نشان داده شده است.

نگاره (۵) نتایج حاصل از برآورد مدل پژوهش

متغیر	ضریب متغیر	آماره تی	سطح خطا
عرض از مبدا	-۸/۷۳۹	-۰/۹۰۱	۰/۳۶۷
مالکیت نهادی	-۲/۶۰۱	-۱/۰۲۲	۰/۳۰۷
تمرکز مالکیت	-۱۲/۴۴۲	-۲/۳۰۵	۰/۰۲۱
مالکیت مدیریت	۱۳/۰۱۶	۳/۱۱۶	۰/۰۰۱
اندازه‌ی هیات مدیره	۰/۸۵۹	۰/۷۸۶	۰/۴۵۷
استقلال هیات مدیره	-۳/۹۴۴	-۱/۲۲۹	۰/۲۱۹
دوگانگی وظیفه مدیر عامل و رئیس هیات مدیره	-۲/۰۸۲	-۲/۰۳۳	۰/۰۴۲۲
خبر بد	۱/۹۸۲	۲/۱۷۶	۰/۰۲۹
اندازه‌ی شرکت	۰/۹۹۸	۲/۲۳۵	۰/۰۲۵
اهرم مالی	۲/۱۸۸	۰/۹۵۱	۰/۳۴۱
نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار شرکت	۰/۶۴۷	۲/۱۷۱	۰/۰۳۰
ضریب تعیین		۰/۱۳۶	
ضریب تعیین تعدیل شده		۰/۱۱۴	
آماره‌ی دوربین-واتسون		۲/۲۷۴	
آماره‌ی F		۳/۷۳۰	
احتمال آماره‌ی F		۰/۰۰۰	

منبع: یافته‌های پژوهش

با توجه به نتایج قابل مشاهده در نگاره‌ی شماره (۵) و با توجه آماره‌ی F بدست آمده (۳/۷۳۰) و سطح خطای آن (۰/۰۰۰)، می‌توان ادعا کرد که در مجموع الگوی پژوهش از معناداری بالایی برخوردار است. همچنین، با توجه به ضریب تعیین تعدیل شده بدست آمده برای الگو که برابر ۱۱ درصد است، می‌توان بیان کرد که در مجموع متغیرهای مستقل و کنترل پژوهش بیش از ۱۱ درصد تغییرات متغیر وابسته را توضیح می‌دهند. البته باید توجه داشت که در اکثر پژوهش‌های انجام شده در زمینه متغیرهای راهبری شرکتی ضریب تعیین تعدیل شده مدل پایین است و در پژوهش مشابه انجام شده در سال ۲۰۱۴ توسط لیم و همکاران نیز ضریب تعیین بدست آمده مدل، در حدود ۱۲ درصد است. افزون بر این، با توجه به مقدار آماره‌ی دورین واتسون که برابر ۲/۲۷۴ است، می‌توان ادعا کرد که خودهمبستگی مرتبه‌ی اول میان باقی‌مانده‌های الگو وجود ندارد. در ادامه به بررسی نتایج حاصل از پژوهش پرداخته شده است.

#### آزمون فرضیه‌ی اول

فرضیه‌ی اول به بررسی تاثیر درصد مالکیت سهامداران نهادی بر به موقع بودن افشا می‌پردازد. با توجه به نتایج بدست آمده در نگاره‌ی شماره (۵) از برآورد الگو، ضریب متغیر درصد مالکیت سهامداران نهادی برابر ۲/۶۰۱- است و سطح خطای آن که برابر با ۰/۳۰۷ و بیشتر از سطح خطای ۰/۰۵ است. بنابراین، ضریب منفی متغیر نشان دهنده آن است که افزایش مالکیت نهادی تاخیر گزارشگری مالی را کاهش داده و سبب بهبود در به موقع بودن افشا می‌شود. اما، باید توجه داشت که این ضریب بدست آمده غیرمعنادار است. در نتیجه، این فرضیه در سطح اطمینان ۰/۹۵ رد می‌شود.

#### آزمون فرضیه‌ی دوم

فرضیه‌ی دوم به بررسی تاثیر درصد تمرکز مالکیت بر به موقع بودن افشا می‌پردازد. با توجه به نتایج بدست آمده در نگاره‌ی شماره (۵) از برآورد الگو، ضریب متغیر درصد تمرکز مالکیت برابر ۱۲/۴۴۲- است و سطح خطای آن که برابر با ۰/۰۲۱ و کمتر از سطح خطای ۰/۰۵ است. بنابراین، ضریب منفی متغیر نشان دهنده آن است که افزایش تمرکز مالکیت تاخیر گزارشگری مالی را کاهش داده و سبب بهبود در به موقع بودن افشا می‌شود. در نتیجه، این فرضیه در سطح اطمینان ۰/۹۵ رد نمی‌شود.



### آزمون فرضیه‌ی سوم

فرضیه‌ی سوم به بررسی تاثیر درصد مالکیت مدیریت بر به موقع بودن افشا می‌پردازد. با توجه به نتایج بدست آمده در نگاره‌ی شماره (۵) از برآورد الگو، ضریب متغیر درصد مالکیت مدیریت برابر ۱۳/۰۱۶ است و سطح خطای آن که برابر با ۰/۰۰۱ و کمتر از سطح خطای ۰/۰۵ است. بنابراین، ضریب مثبت متغیر نشان دهنده آن است که افزایش مالکیت مدیریت تاخیر گزارشگری مالی را افزایش داده و سبب کاهش در به موقع بودن افشا می‌شود. در نتیجه، این فرضیه در سطح اطمینان ۰/۹۵ رد نمی‌شود.

### آزمون فرضیه‌ی چهارم

فرضیه‌ی چهارم به بررسی تاثیر استقلال هیئت مدیره بر به موقع بودن افشا می‌پردازد. با توجه به نتایج بدست آمده در نگاره‌ی شماره (۵) از برآورد الگو، ضریب متغیر استقلال هیئت مدیره برابر ۳/۹۴۴- است و سطح خطای آن که برابر با ۰/۲۱۹ و بیشتر از سطح خطای ۰/۰۵ است. بنابراین، ضریب منفی متغیر نشان دهنده آن است که افزایش استقلال هیئت مدیره تاخیر گزارشگری مالی را کاهش داده و سبب بهبود در به موقع بودن افشا می‌شود. اما، با توجه به سطح معناداری متغیر این فرضیه در سطح اطمینان ۰/۹۵ رد می‌شود.

### آزمون فرضیه‌ی پنجم

فرضیه‌ی پنجم به بررسی تاثیر اندازه‌ی هیئت مدیره بر به موقع بودن افشا می‌پردازد. با توجه به نتایج بدست آمده در نگاره‌ی شماره (۵) از برآورد الگو، ضریب متغیر اندازه‌ی هیئت مدیره برابر ۰/۸۵۹ است و با سطح خطای آن که برابر با ۰/۴۵۷ و بیشتر از سطح خطای ۰/۰۵ است. بنابراین، ضریب مثبت متغیر نشان دهنده آن است که افزایش اندازه‌ی هیئت مدیره تاخیر گزارشگری مالی را افزایش داده و سبب کاهش در به موقع بودن افشا می‌شود. اما، با توجه به سطح معناداری متغیر این فرضیه در سطح اطمینان ۰/۹۵ رد می‌شود.

### آزمون فرضیه‌ی ششم

فرضیه‌ی ششم به بررسی تاثیر دوگانگی وظیفه مدیر عامل و رئیس هیئت مدیره بر به موقع بودن افشا می‌پردازد. با توجه به نتایج بدست آمده در نگاره‌ی شماره (۵) از برآورد الگو، ضریب متغیر دوگانگی وظیفه مدیر عامل و رئیس هیئت مدیره برابر ۲/۰۸۲- است و سطح

خطای آن که برابر با ۰/۰۴۲ و کمتر از سطح خطای ۰/۰۵ است. بنابراین، ضریب منفی متغیر نشان دهنده آن است که افزایش دوگانگی وظیفه مدیر عامل و رئیس هیات مدیره تاخیر گزارشگری مالی را کاهش داده و سبب بهبود در به موقع بودن افشا می‌شود. در نتیجه، این فرضیه در سطح اطمینان ۰/۹۵ رد نمی‌شود.

### نتیجه گیری

در این پژوهش به بررسی تاثیر معیارهای راهبری شرکتی بر به موقع بودن افشا در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته شد. معیارهای مورد بررسی شامل چهار معیار داخلی مالکیت مدیریت، استقلال هیات مدیره، اندازه‌ی هیات مدیره و دوگانگی وظیفه رئیس هیات مدیره و مدیر عامل و دو معیار خارجی مالکیت نهادی و تمرکز مالکیت است. بدین منظور شش فرضیه برای بررسی این موضوع تدوین و داده‌های موجود مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. مطابق با مبانی نظری انتظار بر این بود، راهبری شرکتی مستحکم در شرکت‌ها رفتار فرصت طلبانه و سود جویانه مدیران را محدودتر کرده و در نتیجه، کیفیت و توان اتکای گزارشگری مالی را بهبود بخشد. همچنین، ساختار راهبری شرکتی قوی منجر به نظارت بهتر مدیریت، تولید اطلاعات حسابداری به موقع، افزایش سرعت شناسایی اخبار بد برای مطلع ساختن هیئت مدیره و انجام اقدامات لازم شود. بنابراین، نظام راهبری شرکتی به عنوان یکی از مهمترین سازوکارهای کنترلی و نظارتی می‌تواند تاثیر مهمی در جهت بر پایی عدالت و افشای به موقع اطلاعات داشته باشد. در نتیجه، نظام راهبری شرکتی می‌تواند نقش مهمی در بازار سرمایه به منظور تخفیف مشکل نمایندگی و کاهش عدم تقارن اطلاعاتی بین سهامداران و مدیران داشته باشد. نتایج بدست آمده از تخمین مدل پژوهش نیز بیانگر آن است. که از میان معیارهای انتخابی برای راهبری شرکتی متغیرهای تمرکز مالکیت (فرضیه دوم) و دوگانگی وظیفه مدیرعامل و رئیس هیات مدیره تاثیر مثبت معنادار و مالکیت مدیریت (فرضیه سوم) تاثیر منفی معناداری بر به موقع بودن افشای گزارشگری مالی دارد که مطابق با مبانی نظری تحقیق است (مطابق با تحقیقات لیم و همکاران، ۲۰۱۴ و بیات و احمدی، ۱۳۹۳). همچنین، نتایج نشان داد که متغیرهای مالکیت نهادی، اندازه هیات مدیره و استقلال هیات مدیره تاثیر معناداری بر به موقع بودن افشای گزارشگری مالی ندارد.

### پیشنهادهای پژوهش

با توجه به نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش مبنی بر وجود رابطه‌ی معنادار میان برخی متغیرهای راهبری شرکتی و به موقع بودن افشای گزارشگری مالی پیشنهاد می‌شود استفاده کنندگان این نکته را در تصمیم‌های خود مد نظر قرار دهند. افزون بر این، با انجام هر پژوهش، راه به سوی مسیری جدید باز می‌شود و ادامه‌ی راه مستلزم انجام پژوهش‌های دیگری است. بنابراین، انجام پژوهش‌هایی به شرح زیر پیشنهاد می‌شود:

- بررسی مقایسه‌ای تاثیر راهبری شرکتی بر به موقع بودن افشای گزارشگری مالی در صنایع متفاوت.
- بررسی تاثیر معیارهای کیفیت حسابرسی بر به موقع بودن افشا.
- بررسی رابطه بین ویژگی‌های کیفی ارقام موجود در صورت‌های مالی (نظیر کیفیت سود) بر به موقع بودن افشا.
- بررسی رابطه بین به موقع بودن افشا گزارشگری مالی و عدم تقارن اطلاعاتی موجود در بین سهامداران.

## منابع

- اسماعیل زاده مقری، علی؛ جلیلی، محمد و زندعباس آبادی، عباس، بررسی تاثیر حاکمیت شرکتی بر کیفیت سود در بورس اوراق بهادار تهران، *مجله حسابداری مدیریت*، ش ۷، ص ۷۹-۹۲، (۱۳۸۹).
- باباجانی، جعفر و عبدی، مجید. رابطه حاکمیت شرکتی و سود مشمول مالیات شرکت‌ها، *پژوهش‌های حسابداری مالی*، ش ۵، ص ۸۵-۶۵، (۱۳۸۹).
- باغومیان، رافیک و نقدی، سجاد. تاثیر ساز و کارهای حاکمیت شرکتی بر میزان افشای اختیاری در گزارش‌گری سالانه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، *دانش حسابداری*، ش ۱۶، ص ۱۱۹-۱۳۶، (۱۳۹۳).
- باقرپورولاشانی، محمد علی؛ اعتمادی، حسین و امیدفر، مهدی. تاثیر مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی بر تجدید ارائه‌های حسابداری، *مطالعات تجربی حسابداری مالی*، ش ۴۶، ص ۷۹-۱۰۲، (۱۳۹۴).
- برادران حسن زاده، رسول؛ حسینی نسب، مهنا و علیمی، نیر. بررسی تاثیر محافظه کاری بر گزارشگری به موقع اطلاعات مالی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار، *مطالعات حسابداری و حسابرسی*، ش ۱۰، ص ۳۸-۵۱، (۱۳۹۲).
- بیات، علی و احمدی، علی. تاخیر حسابرسی و به موقع بودن گزارشگری مالی، *پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی*، سال ششم، شماره ۲۲، تابستان ۱۳۹۳، صص ۹۷-۱۲۱، (۱۳۹۳).
- خیراللهی، فرشید؛ بهشور، اسحاق و ایوانی، فرزاد. مدیریت سود واقعی، حاکمیت شرکتی و نگهداشت وجه نقد، *مطالعات تجربی حسابداری مالی*، ش ۴۴، ص ۱۶۱-۱۴۵، (۱۳۹۳).
- دیانتی دیلمی، زهرا و ملک محمدی، هادی. بررسی تاثیر ویژگی‌های نظام راهبری شرکت بر کیفیت اطلاعات مالی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، *دانش حسابداری*، ش ۱۳، ص ۱۵۱-۱۷۰، (۱۳۹۲).
- سنجری، لقمان. بررسی رابطه بین ویژگی‌های حسابداری شرکت‌ها و میزان افشای اختیاری اطلاعات مالی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، (۱۳۸۷).
- قائم، محمدحسین و شهریار، مهدی. حاکمیت شرکتی و عملکرد مالی شرکت‌ها، *پیشرفت‌های حسابداری*، ش ۱، ص ۱۱۳-۱۲۸، (۱۳۸۸).

- مهرانی، کاوه و صفرزاده، محمدحسین. کیفیت تبیین ارتباط بین حاکمیت شرکتی و سود با رویکرد بومی، دانش حسابداری، ش ۷، ص ۶۹-۹۸، (۱۳۹۰).
- All sufy, F. J., Alambaideen, H. I. M., Alabbad, N. H and Makhlof, M. H. Corporate Governance and its impact on the quality of accounting in the industrial community shareholding Companies listed in Amman financial market-Jordan, *International Journal of Humanities and Social Science*, Vol.3, No.5, pp. 184-195, (2013).
- Bushee, B. The influence of institutional investors on myopic R&D investment behavior. *The Accounting Review*, 7(3): 305-333, (1998).
- Chen, G. et al. "Ownership structure, corporate governance, and fraud: evidence from China", *Journal of Corporate Finance* 12, PP. 424-448, (2006).
- Fathi, J. Corporate Governance system and quality of financial information, *Mediterranean Journal of Social Science*, Vol.4, No.2, pp. 129-142, (2013).
- García Lara, J. GarcíaOsma, B. and A. Mora. The effect of earnings management on the asymmetric timeliness of earnings, *Journal of Business Finance and Accounting*, Vol.3, No.4, pp. 691-726, (2005).
- Gerald, J. Kiridaran, K. Dennis, W. "Corporate governance quality and market liquidity around quarterly earnings announcements "www.afaanz.org, (2006).
- Hambrick, D.C. & Jackson, E.M. *Ownership Structure, Boards and Directors*, Paper presented at the August 2000 meeting of the Academy of Management, Toronto, (2000).
- Han, S. Ownership structure and characteristics of Earnings, Doctoral Dissertation, University of Illinois, (2006).
- Htay, N.S. Corporate governance and strategic information disclosure in Malaysian listed banks, *International Review of Business Research Papers*, Vol.8, No.1, pp.196-210, (2012).
- Huafang, x. and Jianguo, Y. Ownership structure, board composition and corporate voluntary disclosure: Evidence from listed companies in China. *Auditing Journal*, Vol.22, No.6, pp.604-619, (2007).
- Kochhar R. and David, P. Institutional investors and firm innovation: A test of competing hypotheses, *Strategic Management Journal*, Vol.17, No.1, pp.73-84, (1996).
- Lim, M. How, J. Verhoeven, P. Corporate ownership, corporate governance reform and timeliness of earnings: Malaysian evidence, *Journal of Contemporary Accounting & Economics*, Vol. 10, No.1, pp. 32-45, (2014).

- Lim, S. Matolcsy, Z. and Chow, D. The association between board composition and different types of voluntary disclosure, *European Accounting Review*, Vol.16, No.5, pp.55-83, (2007).
- Marston, C. and Polei, A. Corporate reporting on the internet by German company, *International Journal of Accounting Information Systems*, Vol.11, No.5, pp. 285-331, (2004).
- Matoussi, H., and Chakroun, R. Board composition, ownership structure and voluntary disclosure in annual reports: evidence from Tunisia. *Laboratoire Interdisciplinaire de Gestion Universite-Entreprise (LIGUE)*, pp. 1-28, (2008).
- Minnick, M. & Noga, T. Do corporate governance characteristics influence tax management. *Journal of Corporate Finance*, 16 (5): 703-718, (2010).
- Mitra, S. The impact of institutional stock ownership on a firm's earnings management practice: An empirical investigation Unpublished Dissertation, Louisiana State University, (2002).
- Negar, V. Nanda, D. Wysocki, P. Discretionary disclosure and stock-based incentive. *Journal of Accounting and Economics*. No.34, pp. 283-309, (2003).
- Ramsay, I. & Blair, M. Ownership concentration, institutional investment and corporate governance: An empirical investigation of 100 Australian companies. *Melbourne University Law Review*, 19 (6): 153-194, (1993).
- Rouf, A. Corporate characteristics, governance attributes and the extent of voluntary disclosure in Bangladesh, *Journal of Business Management*, Vol.5, No.19, pp.836-845, (2011).
- Teng, M. and C. Li, "Product Market Competition, Board Structure and Disclosure Quality", *Frontiers of Business Research in China*, Vol. 5, No. 2, PP. 211-316, (2011).
- Zahra, Shaker A. and Pearce, John A. Boards of Directors and Corporate Governance Financial Performance: A Review and Integrative Model, *Journal of Management*, pp. 291-334, (1989).